عدالت رسانه‌ای به وسعت کشور

برنامه‌سازان تلویزیون با حضور در استان سیستان‌وبلوچستان، روایت‌های معمول را کنار زدند



اصغر توسلی
روزنامه‌نگار

«ایران جان» فقط یک شعار برای توجه به استان‌ها نیست؛ سفرهای اخیر مدیران، مجریان و برنامه‌سازان تلویزیون به جنوب و شرق کشور، تلاشی برای عملیاتی‌کردن عدالت رسانه‌ای و آوردن صدا و تصویر شهرستان‌ها و روستاها به متن آنتن است.

برای شناخت ایران، همیشه نمی‌توان پشت میزهای استودیو نشست و از جغرافیای متنوع این سرزمین سخن گفت. گاهی باید راه افتاد؛ از تهران فاصله گرفت، به جاده‌های طولانی جنوب رفت، در آبادان و اهواز پای صحبت مردم نشست، از حوالی تنگه هرمز گذشت و خود را به روستاهای دورافتاده سیستان‌وبلوچستان رساند. باید در بازارهای محلی قدم زد، مهمان خانه‌های مردم شد و با جوانان و استعدادهای بومی آشنا و زیبایی‌هایی را دید که شاید سال‌ها در قاب تلویزیون جایی نداشته‌اند.

این همان تجربه‌ای است که سفرهای اخیر مدیران، مجریان، هنرمندان و برنامه‌سازان رسانه ملی را به اتفاقی فراتر از یک مأموریت کاری تبدیل کرده است؛ سفرهایی که در کنار پویش ایران جان صداوسیما، معنای ملموس‌تری به عدالت رسانه‌ای می‌بخشند.

ایران جان با هدف توجه بیشتر به استان‌های کشور و بازتاب ظرفیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و انسانی آنها شکل گرفته است اما آنچه این روزها در سفرهای میدانی تلویزیونی دیده می‌شود، می‌تواند مکمل عملی این رویکرد باشد. وقتی مدیر شبکه، مجری شناخته‌شده یا تهیه‌کننده تلویزیونی از تهران خارج می‌شود و به جایگاه معمول خود در استودیو بسنده نمی‌کند، وقتی دوربین‌ها به شهرستان‌ها، مناطق مرزی و حتی روستاهایی می‌روند که شاید کمتر نام‌شان شنیده شده باشد، عدالت رسانه‌ای از یک سیاست و شعار به تجربه‌ای قابل لمس تبدیل می‌شود.

در واقع قرار نیست همه ایران به تهران بیاید تا دیده شود؛ این بار تلویزیون است که به سوی ایران حرکت می‌کند.

از آبادان زیر سایه حملات تا آنتنی که در جنوب مستقر شد

یکی از متفاوت‌ترین تجربه‌های اخیر، سفر گروه‌های تلویزیونی به خوزستان در روزهایی بود که حملات دشمن به جنوب کشور و مناطق حساس آن شدت گرفته بود. آبادان، اهواز و خرمشهر در آن روزها فقط مقصد یک سفر کاری نبودند؛ بخشی از جغرافیای پرالتهاب کشور بودند که حضور رسانه در آنها ضرورت بیشتری پیدا می‌کرد.

شبکه سه سیما در اقدامی ویژه، برنامه‌های زنده خود را به خوزستان منتقل کرد. این بار به‌جای آن‌که مجریان از استودیوهای تهران درباره شرایط جنوب صحبت کنند، خودشان در آبادان و اهواز مستقر شدند و از همان جغرافیا با مخاطبان سخن گفتند.

برنامه‌هایی مانند سلام صبح بخیر، سمت خدا و سیاست خارجی از نقاط مختلف استان روی آنتن رفتند. مجریان، مدیران، ورزشکاران و چهره‌های فرهنگی نیز در این سفر حضور داشتند تا علاوه بر روایت شرایط منطقه، در کنار مردم باشند.

این حضور، تجربه‌ای متفاوت برای بسیاری از حاضران رقم زد. در روزهایی که آسمان جنوب شاهد تحرکات نظامی و حملات دشمن بود، برخی از مجریان و مدیران تلویزیونی انهدام پهپادهای شناسایی دشمن را از نزدیک مشاهده کردند؛ تجربه‌ای که طبیعتا با آنچه در تصاویر تلویزیونی یا گزارش‌های خبری دیده می‌شود، تفاوت داشت.

اینجا دیگر مجری صرفا روایتگر یک اتفاق نبود؛ خودش در متن موقعیت قرار گرفته بود. دیدن اضطراب‌ها، ایستادگی‌ها، زندگی روزمره مردم و تلاش کسانی که در شرایط دشوار کار و زندگی را ادامه می‌دادند، معنای دیگری به حضور رسانه می‌داد.

از جنوب تا تنگه هرمز؛ رسانه در متن اتفاقات

این جابه‌جایی جغرافیایی در روزهایی اهمیت بیشتری پیدا کرد که تحولات نظامی منطقه، از تنگه هرمز تا جنوب لبنان، در کانون توجه قرار داشت. حضور در مناطق جنوبی و مواجهه نزدیک با شرایط امنیتی و اجتماعی آنها، برای مدیران و برنامه‌سازان فرصتی بود تا واقعیت‌های میدانی را نه فقط از دریچه خبر، بلکه از نزدیک تجربه کنند.

رسانه زمانی می‌تواند روایت دقیق‌تر و انسانی‌تری ارائه دهد که فاصله خود را با موضوع روایت به حداقل برساند. شنیدن صدای مردم، دیدن شرایط زندگی در مناطق حساس و گفت‌وگو با کسانی که در متن اتفاقات حضور دارند، به برنامه‌ساز کمک می‌کند تصویری واقعی‌تر از جامعه ارائه دهد.

این سفرها همچنین یادآور مسئولیتی مهم برای تلویزیون است: حضور رسانه نباید فقط به زمان وقوع بحران محدود بماند. همان‌قدر که آبادان و اهواز در روزهای پرالتهاب به توجه رسانه‌ای نیاز دارند، در روزهای آرام نیز باید زندگی، فرهنگ، استعدادها و ظرفیت‌های این مناطق در قاب تلویزیون دیده شود.

سیستان‌وبلوچستان؛ جایی که دوربین باید بیشتر مکث کند

پس از تجربه حضور در جنوب، سفر به سیستان‌وبلوچستان فصل دیگری از این حرکت رسانه‌ای را رقم زد؛ استانی با جغرافیای گسترده، پیشینه تمدنی کهن، تنوع فرهنگی، طبیعت کم‌نظیر و مردمی که مهمان‌نوازی‌شان از نخستین تجربه‌های سفر به یاد می‌ماند.

کاروان «روایت مقاومت دلیران» با حضور جمعی از چهره‌های فرهنگی، هنری، ورزشی و رسانه‌ای، از جمله مجریان تلویزیونی، ورزشکاران و فعالان فرهنگی، راهی این استان شد. اما اهمیت این سفر فقط در حضور چهره‌های شناخته‌شده خلاصه نمی‌شد. مهم‌تر از نام‌ها، مقصد دوربین‌ها بود؛ بازار رسولی زاهدان، روستاها، مناطق مرزی، مدارس، مراکز درمانی، محافل مردمی و نقاط تاریخی استان.

برنامه‌هایی مانند «محفل»، «سمت خدا»، «زمانه»، «سلام صبح بخیر»، «فوتبال برتر»، «گزارش ورزشی»، «انارستان» و «طبیب» نیز با حضور در استان، بخش‌هایی از برنامه‌های خود را به مردم و ظرفیت‌های این منطقه اختصاص دادند.

در کنار این برنامه‌ها، دیدار فوتبال چهره‌های ورزشی با تیم منتخب سیستان‌وبلوچستان، حضور هنرمندان در جمع مردم، بازدید از بیمارستان تخصصی چشم الزهرا(س)، دیدار با معتمدان و ریش‌سفیدان و حضور در بازارهای محلی، فرصت‌های دیگری برای نزدیک‌شدن به زندگی واقعی مردم فراهم کرد.

شاید یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این سفر، توجه به نقاطی بود که در روایت‌های معمول رسانه‌ای کمتر دیده می‌شوند. سیستان‌وبلوچستان فقط یک نام در اخبار مربوط به مرزها یا مسائل امنیتی نیست؛ این استان مجموعه‌ای از ظرفیت‌های علمی، پزشکی، تاریخی، گردشگری، ورزشی و انسانی است که برای شناخت آن باید وقت گذاشت و به جزئیات زندگی مردمش نزدیک شد.

ایمان قیاسی، مجری تلویزیون پس از حضور در این استان از سفر خود به‌عنوان یکی از شگفت‌انگیزترین تجربه‌هایش یاد کرد. او با اشاره به جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی منطقه و مهمان‌نوازی مردم، بر ضرورت تداوم حضور رسانه‌ها و معرفی ظرفیت‌های سیستان‌وبلوچستان تأکید کرد.

این موضوع از آن جهت اهمیت دارد؛ که معرفی یک استان نباید به چند روز حضور چهره‌های مشهور و تولید چند برنامه محدود شود. آنچه می‌تواند تصویر رسانه‌ای یک منطقه را تغییر دهد، تداوم توجه و بازگشت دوباره دوربین‌هاست.

عدالت آنتن؛ وقتی روستاها هم سهمی از قاب تلویزیون دارند

شاید مهم‌ترین وجه مشترک سفرهای اخیر و پویش ایران جان را باید در همین نقطه جست‌وجو کرد؛ تغییر نگاه به جغرافیای برنامه‌سازی.

سال‌هاست بخش قابل‌توجهی از تولیدات تلویزیونی در تهران متمرکز است؛ از استودیوها و امکانات تولید گرفته تا حضور مجریان، کارشناسان و چهره‌های شناخته‌شده. در چنین شرایطی، انتقال برنامه‌ها به استان‌ها فقط تغییر محل اجرا نیست؛ فرصتی برای بازتوزیع توجه رسانه‌ای و دیده‌شدن ظرفیت‌هایی است که در تمرکز پایتخت‌محور کمتر مجال بروز پیدا می‌کنند.

وقتی مجری تلویزیون در یک روستای دورافتاده حاضر می‌شود، وقتی مدیر شبکه به جای دیدارهای معمول اداری، با مردم یک شهرستان هم‌صحبت می‌شود و وقتی برنامه‌ای پرمخاطب از یک منطقه کمتربرخوردار روی آنتن می‌رود، اتفاقی فراتر از یک اجرای تلویزیونی رخ می‌دهد. مردم آن منطقه خود را بخشی از تصویر ملی می‌بینند؛ احساس می‌کنند جغرافیای زندگی‌شان، لهجه‌شان، فرهنگ‌شان و حتی مسائل روزمره‌شان ارزش دیده شدن دارد.

اتفاقا هرچه این حضور به مناطق کمتربرخوردار و روستاهای دورتر برسد، اهمیت آن بیشتر می‌شود. عدالت رسانه‌ای زمانی معنای واقعی پیدا می‌کند که دوربین فقط در مراکز استان‌ها توقف نکند و سراغ روستاهایی هم برود که شاید نه امکانات گسترده‌ای دارند و نه معمولا در برنامه‌های پربیننده تلویزیون سهمی پیدا می‌کنند.

البته این رویکرد نباید صرفا به نمایش زیبایی‌ها و ظرفیت‌ها محدود بماند. معرفی استعدادهای محلی، بازتاب مطالبات مردم، توجه به مشکلات زیرساختی، شنیدن صدای جوانان و فراهم‌کردن فرصت برای هنرمندان و برنامه‌سازان بومی، بخش جدایی‌ناپذیر عدالت رسانه‌ای است. اگر قرار است استان‌ها واقعا در قاب ملی سهم داشته باشند، باید در تولید و روایت نیز شریک باشند، نه این‌که صرفا موضوع چند برنامه مناسبتی قرار بگیرند.

برش

ایران جان؛ از یک پویش تا یک رویکرد ماندگار

پویش ایران جان صداوسیما می‌تواند نقطه اتکای چنین تغییری باشد؛ رویکردی که در آن استان‌ها نه حاشیه‌ای بر روایت تهران، بلکه بخش اصلی و تعیین‌کننده تصویر ایران هستند. سفرهای اخیر مدیران، مجریان و برنامه‌سازان به جنوب و شرق کشور را می‌توان مکمل میدانی این سیاست دانست؛ حرکتی که نشان می‌دهد توجه به استان‌ها فقط با اختصاص یک هفته یا چند برنامه به نام یک منطقه محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند حضور مستمر، شناخت نزدیک و ارتباط واقعی با مردم است. امروز اگر دوربین تلویزیون از آبادان به اهواز، از تنگه هرمز به زاهدان و از مراکز استان‌ها به روستاهای دورافتاده حرکت می‌کند، باید این مسیر ادامه پیدا کند. هر منطقه ایران داستانی برای گفتن دارد؛ از جوانی که در یک شهر کوچک استعداد ورزشی دارد تا دانش‌آموزی در یک روستای مرزی، از هنرمندی با هنر بومی تا مردمی که با وجود محدودیت‌ها، زندگی و امید را ادامه می‌دهند. شاید حاصل واقعی این سفرها زمانی روشن‌تر شود که دیگر برای دیدن ظرفیت‌های سیستان‌وبلوچستان، شناخت مردم خوزستان یا شنیدن صدای روستاهای دورافتاده، دیگر به یک اتفاق خاص یا مأموریت ویژه نیازی نباشد و حضور دوربین در این مناطق به بخشی طبیعی از برنامه‌سازی تلویزیون تبدیل شود. ایران جان زمانی به معنای واقعی کلمه محقق می‌شود که همه ایران، نه فقط در مناسبت‌ها، بلکه در تمام روزهای سال، فرصت دیده‌شدن داشته باشد؛ از پایتخت تا دورترین روستاها، از شهرهای بزرگ تا جغرافیایی که شاید کمتر کسی نامش را شنیده باشد. عدالت آنتن یعنی هیچ گوشه‌ای از ایران برای تلویزیون دور نباشد.

ویژه

معمای واکنش صهیونیست‌ها به یک سریال تلویزیونی



تهیه‌کننده سریال «روشنایی شب» از دلایل واکنش و توجه رسانه صهیونیستی به این سریال و روایت پرونده‌های امنیتی مرتبط با موساد سخن گفت.

بهروز مفید درباره تأخیر در پخش فصل جدید این مجموعه بیان کرد: قرار بود ابتدا سه قسمت خلاصه از فصل گذشته روی آنتن برود و پس از آن فصل جدید پخش شود.

وی درباره زمان آغاز پخش فصل جدید گفت: بعد از این خلاصه قسمت‌ها، فصل جدید پخش می‌شود. در واقع از ابتدا برنامه‌ریزی شده بود که ابتدا سه قسمت خلاصه از فصل گذشته پخش شود تا مروری از سریال باشد.

مفید درباره تغییرات بازیگران در فصل جدید توضیح داد: بازیگران اصلی همچنان حضور دارند اما با توجه به روند داستان و موقعیت‌های مختلفی که در قصه شکل می‌گیرد، بازیگران جدیدی نیز به مجموعه اضافه شده‌اند.

تهیه‌کننده روشنایی شب درباره واکنش رسانه‌های اسرائیلی به این سریال بیان کرد: به نظرم همزمانی پخش سریال با حمله به کشورمان در زمان جنگ ۴۰ روزه باعث شد بیشتر مورد توجه قرار گیرد. همچنین از دیگر دلایل توجه آنها، می‌تواند پرداخت مستقیم مجموعه به موضوع جاسوسی موساد باشد.

وی ادامه داد: به نظرم این‌گونه آثار از دو جهت می‌تواند مورد توجه مخاطب قرار بگیرد؛ نخست به‌دلیل ژانر معمایی و اکشن و دیگری به‌دلیل پرداختن به شیوه‌های جذب نیروهای نفوذی و استفاده از نقاط ضعف افراد. گاهی افراد اساسا تمایلی به همکاری با یک سیستم بیگانه ندارند اما در زندگی شخصی و شرایط اجتماعی خود با ضعف‌هایی مواجه هستند که شبکه‌های جاسوسی از آن ضعف‌ها برای جذب و به‌کارگیری این افراد حداکثر استفاده را می‌کنند. پرداختن به چنین موضوعاتی می‌تواند یکی از دلایل توجه به سریال باشد.

مفید در پاسخ به پرسشی درباره مقایسه روشنایی شب با سریال اسرائیلی «تهران» و امکان پخش بین‌المللی آثار امنیتی ایرانی گفت: من سریال تهران را به‌طور کامل ندیده‌ام و تنها بخش‌هایی از آن به دستم رسیده است.

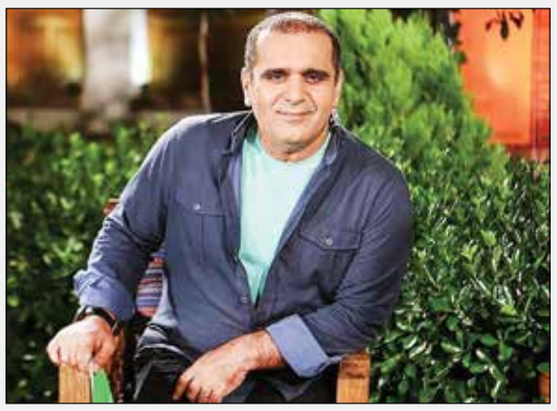
وی درباره ساخت سریال‌های باکیفیت ایرانی و عرضه جهانی آنها، اظهار کرد: مسأله فراتر از کیفیت فیلم یا سریال است. رسانه‌های اسرائیلی از قدرت تبلیغاتی بالایی برخوردارند اما صرف ساخت یک اثر قوی و تلاش برای پخش جهانی آن، لزوما به دیده شدن و استقبال بین‌المللی منجر نمی‌شود. به‌دلیل شرایط سیاسی حاکم بر فضای بین‌المللی، نباید انتظار داشت آثار سیاسی ما به‌راحتی مورد استقبال قرار بگیرد.

تهیه‌کننده روشنایی شب افزود: این محدودیت فقط به آثار سیاسی مربوط نمی‌شود. حتی در تولیدات غیرسیاسی نیز شاخص‌های فرهنگی خاصی وجود دارد که ممکن است برای برخی کشورها قابل قبول نباشد یا نسبت به ترویج آن حساسیت داشته باشند. این مسأله در کشورهای منطقه نیز دیده می‌شود. برای مثال ممکن است برخی کشورهای عربی با نوع پوشش یا مؤلفه‌های فرهنگی که در سریال‌های ایرانی ارائه می‌شود، ارتباط برقرار نکنند.

مفید درباره میزان انطباق روایت فصل جدید روشنایی شب با واقعیت‌های پرونده‌های امنیتی و فعالیت‌های موساد گفت: طبیعتا گروه نویسندگان از اتفاقات و پرونده‌های امنیتی موجود بهره گرفته‌اند اما این موضوع به معنای بازنمایی دقیق و مستند تمام وقایع نیست.

چهره

یک نقش خاص در «کارآگاه علوی ۳»



حسین رفیعی از ایفای نقشی متفاوت در سریال «کارآگاه علوی ۳» در مقایسه با نقش‌های طنز در گذشته سخن گفت. وی بیان کرد: زمانی که اولین فصل این سریال ساخته و پخش می‌شد، من در ابتدای مسیر کاری‌ام بودم و همیشه دوست داشتم تجربه حضور در چنین مجموعه‌ای را داشته باشم. وقتی پیشنهاد بازی در فصل جدید به من داده شد، از این‌که به گروه اضافه می‌شدم، هیجان‌زده بودم.

رفیعی درباره ویژگی‌های نقشی که در این مجموعه ایفا کرده، توضیح داد: وقتی فیلمنامه را خواندم، متوجه شدم با شخصیتی روبه‌رو هستم که ویژگی‌های خاصی دارد و در گره‌افکنی‌های یک قصه جنایی نقش ایفا می‌کند. بازی در چنین نقشی برایم تجربه‌ای تازه بود، به‌ویژه این‌که داستان در دوره‌ای تاریخی روایت می‌شود و باید با توجه به شرایط آن زمان، از پوشش و گریم گرفته تا نوع نگاه و رفتار شخصیت، خودم را به فضای قصه نزدیک می‌کردم.

این بازیگر با اشاره به همکاری با سیدجمال سید حاتمی، کارگردان مجموعه، ادامه داد: پیش از این با او همکاری نداشتم اما آثار تاریخی‌اش را دیده بودم. نگاه کارگردان به شخصیت برایم اهمیت داشت و تلاش کردم با توجه به درکی که از نقش داشتم و پیشنهادهایی که مطرح می‌شد، به تصویری نزدیک شوم که او از این شخصیت در ذهن داشت. در نهایت، قضاوت درباره نتیجه این تجربه بر عهده مخاطبان است.

رفیعی با اشاره به سال‌ها فعالیت در حوزه طنز و اجرا گفت: بازیگرانی که مدت زیادی در عرصه طنز فعالیت کرده‌اند، گاهی عادت دارند بخشی از نگاه و سلیقه خود را به متن اضافه کنند تا موقعیت‌ها بامزه‌تر شود. با این حال، در برخی نقش‌ها لازم است بازیگر به متن وفادار بماند و از اضافه کردن شوخی‌های شخصی پرهیز کند.

وی افزود: در این مجموعه نگاه کارگردان به نقش برایم اهمیت داشت. اگر در بخشی از کار احساس می‌کردم می‌توانم چیزی به شخصیت اضافه کنم، باز هم سعی می‌کردم به خواسته کارگردان و لحن مورد نظر او وفادار بمانم. همین موضوع برایم یک چالش تازه بود و از تجربه کردن آن لذت بردم.

رفیعی درباره نسبت شخصیت واقعی خود با نقش‌هایی که ایفا می‌کند، گفت: من در هر شرایطی حسین رفیعی هستم؛ چه نقش یک مجرم را بازی کنم، چه نقش یک کودک یا مجری. با این حال، وقتی بازیگر نقشی را می‌پذیرد، باید به ویژگی‌های آن نزدیک شود و به شخصیت وفادار بماند. هر بازیگری براساس توانایی‌ها، تجربه‌ها و نگاه خودش نقش را پردازش می‌کند و به آن شکل می‌دهد.

وی با اشاره به تجربه‌هایش در اجرا افزود: اجرا و مجری‌گری از نظر من کاری بسیار دشوار است. مجری باید دایره واژگان گسترده، تسلط کلامی و توانایی مدیریت گفت‌وگو داشته باشد و گاهی لازم است بدون متن و برنامه از پیش تعیین‌شده، یک برنامه طولانی را پیش ببرد. تجربه اجرا به من کمک کرده تا در بازیگری نیز ارتباط بهتری با مخاطب برقرار کنم و نقش‌ها را دقیق‌تر ارائه دهم. این بازیگر که در حوزه‌های مختلفی از جمله دوبله، رادیو، سینما، تلویزیون، تئاتر و اجرا فعالیت داشته است، درباره نگاه خود به هنر گفت: همیشه خودم را هنرجو می‌دانم و فکر می‌کنم هر کاری می‌تواند برایم کلاس درس و فرصتی برای یادگیری باشد. هنر دنیای گسترده‌ای است و دوست دارم در شاخه‌های مختلف آن تجربه کسب کنم. برای من، لذت آموختن و کار کردن در کنار هنرمندان دیگر، مهم‌تر از شهرت و حاشیه‌های آن است.